

درس ۵ کتاب کار فارسی

روزي بود و روزگاري، در شهري، بازرگان سروتندي بود كه طوطي زيبا و شيرين زباني داشت. او هر روز با طوطي، سخن مي‌گفت و از صحبت‌هايش لظت مي‌برد. بازرگان، روزي تصميم گرفت به هندوستان سفر كند.

بازرگان، طوطي خود را بسيار دوست مي‌داشت و در اين فكر بود كه براي او هم صوغاتي گران بها بياورد؛ اما نسي دانست چه بخرد كه طوطي را خوشحال كند، پس ...

گفت طوطي را چه خواهي ارمغان كارمت از خطه هندوستان
گفت آن طوطي كه «آنجا طوطيان چون بيني كس ز حال من بيان
كان فلان طوطي كه مشتاق سلامت از قضاي آسمان، در جيس ماست»

بازرگان، وقتي به هندوستان رسيد، سلام و پيغام طوطي‌اش را به آن‌ها داد، با شنيدن حرف‌هاي بازرگان لجزه‌اي ساكت ماندند، كه ناگهان يكي از آن‌ها به خود لرزيد و از بالاي درخت افتاد و مرد. وقتي بازرگان به سوي سرزمين و خانه‌ي خيش بازگشت موضوع مردن آن طوطي را با شرمندگي براي طوطي‌اش بازگفت، طوطي لجزه‌اي کوتاه، سر به زير انداخت و به فكر فرو رفت پس درست مثل همان طوطي هندوستان، شروع به لرزيدن كرد و افتاد و مرد. بازرگان كه ديد گريه و ضاري فايده‌اي ندارد، طوطي را از قفس بيرون آورد و از پنجره به باغ انداخت، ولي طوطي بر زمين نيفتاد، بلكه شروع به پرواز كرد و روي شاخه‌ي درختي نشست.

روزي بود و روزگاري، در شهري، بازرگان سروتندي بود که طوطي زيبا و شيرين زباني داشت. او هر روز با طوطي، سخن مي‌گفت و از صحبت‌هايش لظت مي‌برد. بازرگان، روزي تصميم گرفت به هندوستان سفر کند.

بازرگان، طوطي خود را بسيار دوست مي‌داشت و در اين فکر بود که براي او هم صوغاتي گران بياورد؛ اما نمي‌دانست چه بخرد که طوطي را خوشحال کند، پس ...

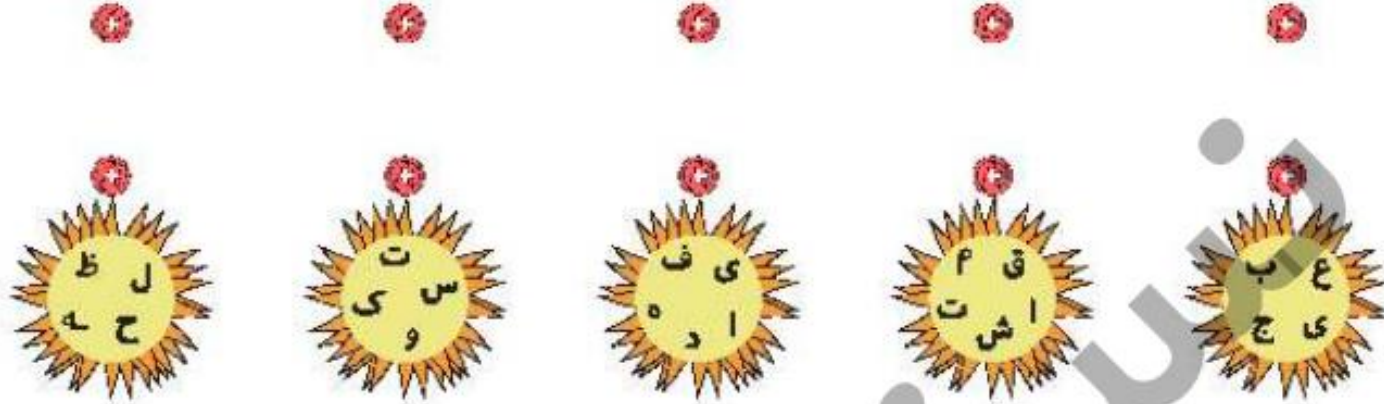
گفت طوطي را چه خواهي ارمغان کارمت از خطه هندوستان
گفت آن طوطي که «آنجا طوطيان چون بيني کن ز حال من بيان
کان فلان طوطي که مشتاق شاست از قضاي آسمان، در جس ماست»

بازرگان، وقتي به هندوستان رسيد، سلام و پيغام طوطي‌اش را به آن‌ها داد، با شنيدن حرف‌هاي بازرگان لحزه‌اي ساکت ماندند، که ناگهان يکي از آن‌ها به خود لرزيد و از بالاي درخت افتاد و مرد. وقتي بازرگان به سوي سرزمين و خانه‌ي خيش بازگشت موضوع مردن آن طوطي را با شرمندگي براي طوطي‌اش بازگفت، طوطي لحزه‌اي کوتاه، سر به زير انداخت و به فکر فرو رفت پس دريست مثل همان طوطي هندوستان، شروع به لرزيدن کرد و افتاد و مرد. بازرگان که ديد گريه و ضاري فايده‌اي ندارد، طوطي را از قفس بيرون آورد و از پنجره به باغ انداخت، ولي طوطي بر زمين نيفتاد، بلکه شروع به پرواز کرد و روي شاخه‌ي درختي نشست.

تمرین



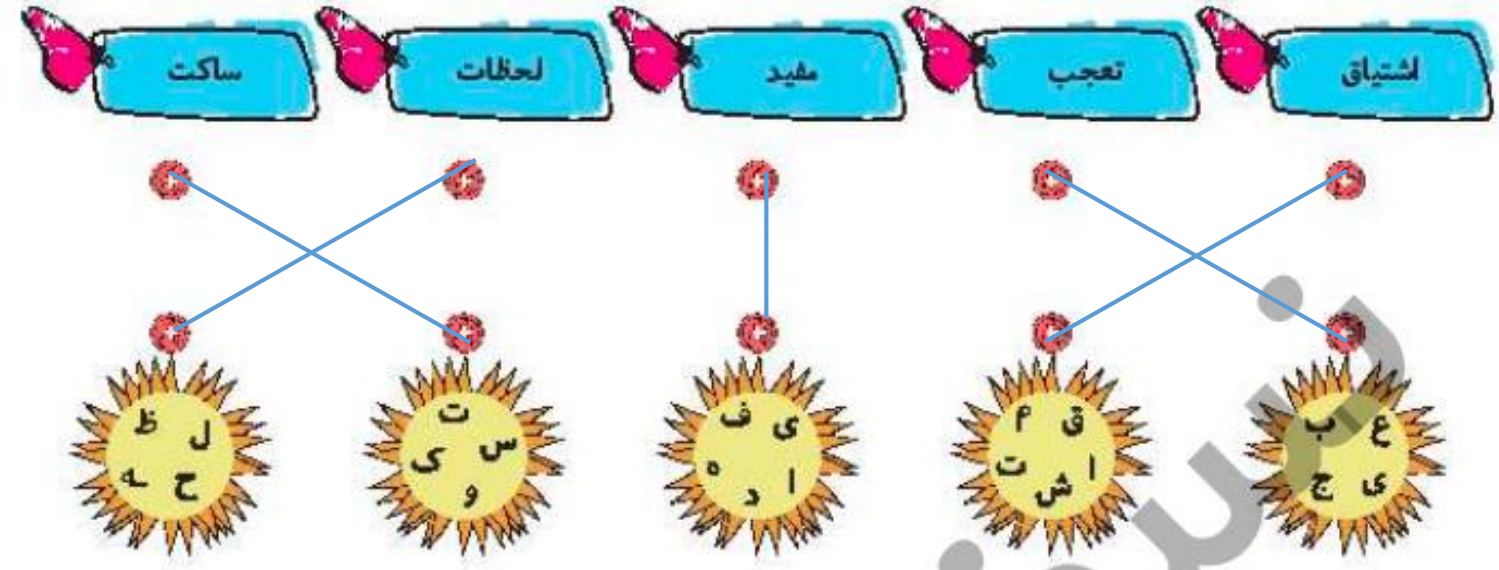
۱ حدس بزن در هر گل چه کلمه‌ای نوشته شده و آن را به هم خانواده‌اش وصل کن.



تمرین



۱ حدس بزن در هر گل چه کلمه‌ای نوشته شده و آن را به هم خانواده‌اش وصل کن.



۲ درستی و نادرستی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

الف: کتابنامه، نوشته‌ای است که مشخصات کتاب‌ها در آن می‌آید.

ب: مثنوی معنوی اثر نظامی می‌باشد.

پ: زهره‌اش بدرید، یعنی ترسید.

ت: طوطی هندوستان مانند طوطی بازرگان خودش را به مردن زد.

۲ درستی و نادرستی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

الف: کتابنامه، نوشته‌ای است که مشخصات کتاب‌ها در آن می‌آید.

ب: مثنوی معنوی اثر نظامی می‌باشد.

پ: زهره‌اش بدرید، یعنی ترسید.

ت: طوطی هندوستان مانند طوطی بازرگان خودش را به مردن زد.

۲

با توجه به کلمه‌های داده شده، موارد خواسته شده را بنویس.

هم‌معنی

مخالف

تروتمند

گران‌بها

با توجه به کلمه‌های داده شده، موارد خواسته شده را بنویس.

هم‌معنی

مخالف

پولدار / دارا

فقیر

ثروتمند

بارزش

بی ارزش

گران‌بها



الف: شش کلمه بنویس که قسمت اول یا دوم آن «نامه» باشد.

۴

.....

.....

ب: حالا ۲ تا از کلمات جدید را انتخاب کن و یک بند دو سطری خنده‌دار بنویس.

.....

.....



الف: شش کلمه بنویس که قسمت اول یا دوم آن «نامه» باشد.

۴

..... قولنامه - فیلمنامه - سالنامه - نمایشنامه - روزنامه - پایان نامه - نامه نگاری و... ..

ب: حالا ۲ تا از کلمات جدید را انتخاب کن و یک بند دو سطری خنده دار بنویس.

جاهای خالی را با استفاده از کلمات داده شده، کامل کن.

پایاننامه - زندگی نامه - واژه نامه - قولنامه - سالنامه

الف: نوشته‌ای که معنی هر لغت و واژه در آن می‌آید.

ب: نوشته‌ای که در پایان دوره‌ی تحصیلات عالی نوشته می‌شود.

پ: نوشته‌ای که در مورد قبول و قرار بین فروشنده و خریدار است.

ت: نوشته‌ای که روز، ماه و یک سال شمسی، قمری و میلادی در آن نشان داده می‌شود.

ث: نوشته‌ای که شرح حال زندگی یک نفر است.

جاهای خالی را با استفاده از کلمات داده شده، کامل کن.

پایان نامه - زندگی نامه - واژه نامه - قولنامه - سالنامه

الف: **واژه نامه** نوشته‌ای که معنی هر لغت و واژه در آن می‌آید.

ب: **پایان نامه** نوشته‌ای که در پایان دوره‌ی تحصیلات عالی نوشته می‌شود.

پ: **قولنامه** نوشته‌ای که در مورد قبول و قرار بین فروشنده و خریدار است.

ت: **سالنامه** نوشته‌ای که روز، ماه و یک سال شمسی، قمری و میلادی در آن نشان داده می‌شود.

ث: **زندگی نامه** نوشته‌ای که شرح حال زندگی یک نفر است.

۶

علامت‌های نگارشی (،،:،؛،؟) را در جای مناسب قرار بده.

بازرگان سکوت کرد نمی‌دانست چگونه موضوع مردن آن طوطی را به او بگوید طوطی که او را ساکت دید
پرسید ای خواجه چه شده به من بگو بلزرگان با شرمندگی سرش را بلند کرد و ...

۶

علامت‌های نگارشی (،،:،!،؟) را در جای مناسب قرار بده.

بازرگان ، سکوت کرد ؛ نسی دانست چگونه موضوع مردن آن طوطی را به او بگوید . طوطی که او را ساکت دید ،
پرسید : « ای خواجه ، چه شده ؟ » به من بگو . « » بازرگان با شرمندگی ، سرش را بلند کرد و ...



۷ کلمات در هم ریخته‌ی زیر را مرتب کن و جمله بنویس.

.....

.....

.....

.....



کلمات در هم ریخته‌ی زیر را مرتب کن و جمله بنویس.



بازرگان نمی دانست چگونه موضوع مردن آن
طوطی را بگوید.

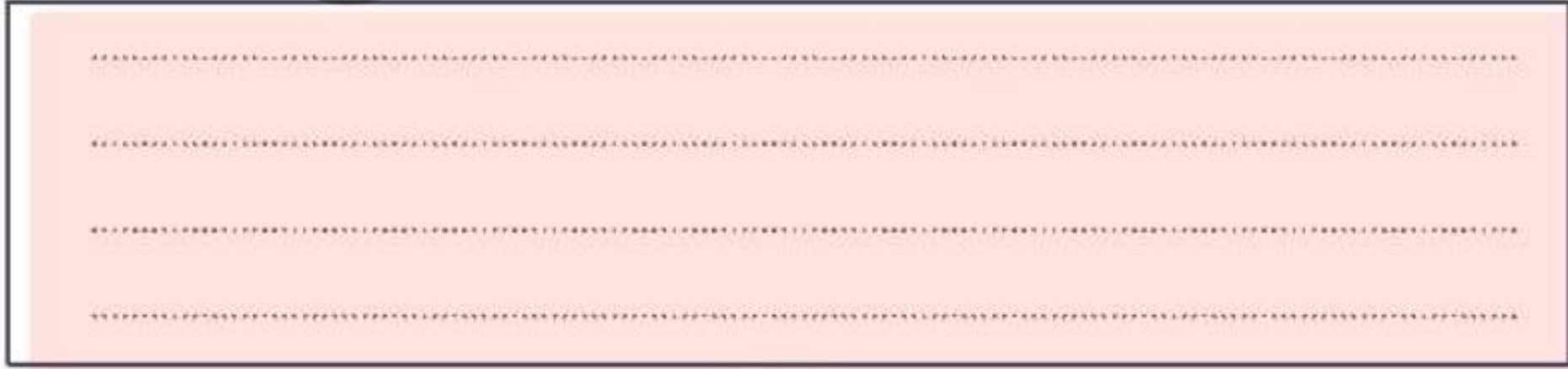
مانند نمونه، کلمه‌های جدید بساز.

دل	خوش	زبان	کام	گران
دلخوش	خوش‌سخن	شیرین‌زبان	شادکام	گران‌بها
.....
.....

مانند نمونه، کلمه‌های جدید بساز.

دل	خوش	زبان	کام	گران
دلخوش	خوش سخن	شیرین زبان	شادکام	گران‌بها
دل‌تنگ	دل خوش	بلبل زبان	شیرین کام	گران قیمت
دل‌سرد	خوش حال	خوش زبان	ناکام	گران قدر

داستان «قدم یازدهم» را در یک بند خلاصه کن.



.....

.....

.....

.....

یک روز قشنگ زمستانی که برف زیادی روی زمین نشسته بود، درنا پالتوی آبی رنگی پوشید و به مدرسه رفت. یکی از هم‌کلاسی‌هایش به او گفت: «این چه پالتویی است؟ خیلی بد رنگ است. به نظر من بهتر است که آن را نپوشی. درنا روز بعد با یک پالتوی قهوه‌ای رنگ به مدرسه آمد. اما یکی از دوستانش گفت: «پالتویی که دیروز پوشیده بودی خیلی قشنگ‌تر بود». درنا گیج شده بود و نمی‌دانست که بالاخره کدام یک از لباس‌هایش را بپوشد.

یک روز قشنگ زمستانی که برف زیادی روی زمین نشسته بود، درنا پالتوی آبی رنگی پوشید و به مدرسه رفت. یکی از هم‌کلاسی‌هایش به او گفت: «این چه پالتویی است؟ خیلی بد رنگ است. به نظر من بهتر است که آن را نپوشی. درنا روز بعد با یک پالتوی قهوه‌ای رنگ به مدرسه آمد. اما یکی از دوستانش گفت: «پالتویی که دیروز پوشیده بودی خیلی قشنگ‌تر بود». درنا گیج شده بود و نمی‌دانست که بالاخره کدام یک از لباس‌هایش را بپوشد.

در دروازه را می‌شود بست اما در دهن مردم را نمی‌شود بست.

ضرب‌المثل:

بند زیر را با دقت بخوان و در مورد شباهت و تفاوت آن با فصل بهار با دوستانت مشورت کن و سپس آنچه فهمیدی، بنویس.

«با شروع فصل زیبای زمستان، چهره‌ی طبیعت تغییر می‌کند، درختان لباس سفید برتن می‌کنند و آرامش عجیبی در فضای طبیعت برقرار می‌شود. سطح رودخانه‌ها مانند آینه‌ای براق می‌درخشد و روی برف‌ها جای پای خرگوش و کبک مانند نقاشی زیبایی دیده می‌شود و ماهی‌ها به بستر رودخانه‌ها پناه می‌برند.»

با توجه به سؤالات داده شده، پاسخ مناسب را انتخاب کن.

الف: با توجه به متن داستان «قدم یازدهم، کدام گزینه درست نیست؟

- (۱) شیر کوچولو پس از برداشتن قدم دهم، زیر بوته‌ی گل یاس خوابید.
- (۲) مردم از فرار کردن شیر کوچولو غصه خوردند.
- (۳) شیر کوچولو فکر می‌کرد اگر قدم یازدهم را بردارد؛ سرش به میله‌های قفس می‌خورد.
- (۴) شیر بزرگ، بچه‌اش را توی یک قفس در باغ وحش به دنیا آورد.

ب: کدام گزینه از دو جزء معنی‌دار، تشکیل شده است؟

- | | | | |
|-----------|-------------|-------------|--------------|
| (۱) اطفال | (۲) کتاب‌ها | (۳) روزنامه | (۴) پروردگار |
|-----------|-------------|-------------|--------------|

پ: کدام یک از گزینه‌های زیر می‌تواند با واژه‌ی «ارمغان»، هم‌قافیه باشد؟

- | | | | |
|------------|----------|----------|----------|
| (۱) هوشیار | (۲) سایه | (۳) تمام | (۴) نشان |
|------------|----------|----------|----------|

ت: کدام گزینه در معنی قسمت مشخص شده در بیت زیر نیست؟

« آن یکی طوطی ز دردت بوی برد زهره‌اش بدرسد و لرزید و مرد»

- | | | | |
|-----------------|---------------|---------------|------------|
| (۱) متوجه بو شد | (۲) احساس کرد | (۳) با خبر شد | (۴) پی برد |
|-----------------|---------------|---------------|------------|

با توجه به سؤالات داده شده، پاسخ مناسب را انتخاب کن.

الف: با توجه به متن داستان «قدم یازدهم»، کدام گزینه درست نیست؟

- (۱) شیر کوچولو پس از برداشتن قدم دهم، زیر بوته‌ی گل یاس خوابید.
 (۲) مردم از فرار کردن شیر کوچولو غصه خوردند. ✗
 (۳) شیر کوچولو فکر می‌کرد اگر قدم یازدهم را بردارد؛ سرش به میله‌های قفس می‌خورد.
 (۴) شیر بزرگ، بچه‌اش را توی یک قفس در باغ وحش به دنیا آورد.

ب: کدام گزینه از دو جزء معنی‌دار، تشکیل شده است؟

- (۱) اطفال (۲) کتاب‌ها (۳) روزنامه ✗ (۴) پروردگار

پ: کدام یک از گزینه‌های زیر می‌تواند با واژه‌ی «ارمغان»، هم‌قافیه باشد؟

- (۱) هوشیار (۲) سایه (۳) تمام (۴) نشان ✗

ت: کدام گزینه در معنی قسمت مشخص شده در بیت زیر نیست؟

« آن یکی طوطی ز دردت بوی برد زهره‌اش بدرسد و لرزید و مرد»

- (۱) متوجه بو شد ✗ (۲) احساس کرد (۳) با خبر شد (۴) پی برد

در برکه‌ای سه ماهی بسیار زیبا زندگی می‌کردند. یکی ماهوش و باتجربه بود و یکی ماهوش و کم‌تجربه و دیگری بی‌تجربه و کم‌خرد بود. ماهیگیری با پسرش از کنار برکه رد می‌شد به پسرش گفت: «یادت باشد که دفعه‌ی بعد که از اینجا رد شدیم تور بیاوریم و ماهی‌ها را بگیریم.»

ماهی ماهوش و باتجربه همین که این حرف را شنید به دوستانش گفت: «وقت آن است که برکه را ترک کنیم و به دریا برویم.» اما دو ماهی دیگر که خیلی به برکه دلبسته بودند، گفتند: «چرا باید جای به این خوبی را ترک کنیم؟ می‌دانی چقدر راه رسیدن به دریا دور و دشوار است؟» ماهی ماهوش و باتجربه گفت: «سایه‌ی صیاد را روی برکه دیدم.» آن دو ماهی گفتند: «ما که ندیدیم، تو هم خیالاتی شده‌ای!»

ماهی ماهوش و باتجربه که دید دوستانش به حرف او گوش نمی‌دهند از برکه به رودخانه فرار کرد. چند روز بعد ماهیگیر و پسرش با تور به سراغ ماهی‌ها آمدند. ماهی ماهوش و کم‌تجربه هراسان شد و خود را به آب بارکه‌ای رساند و از همان جا به رودخانه فرار کرد. ماهی سوم که خیالش راحت بود گفت: «بابا چرا فرار می‌کنید؟ که در همان لحظه او را گرفتند و کباب کردند و خوردند.»

«کلید و دهنه»

الف: چند ماهی در برکه زندگی می‌کردند؟

ب: چرا ماهی ماهوش و باتجربه به دو ماهی دیگر گفت: «باید به دریا برویم»؟

پ: چرا ماهی‌ها به حرف ماهی ماهوش و باتجربه گوش ندادند؟

ت: داستان را به گونه‌ای دیگر به پایان برسان.

در برکه‌ای سه ماهی بسیار زیبا زندگی می‌کردند. یکی ماهوش و باتجربه بود و یکی ماهوش و کم‌تجربه و دیگری بی‌تجربه و کم‌خرد بود. ماهیگیری با پسرش از کنار برکه رد می‌شد به پسرش گفت: «یادت باشد که دفعه‌ی بعد که از اینجا رد شدیم تور بیاوریم و ماهی‌ها را بگیریم.»

ماهی ماهوش و باتجربه همین که این حرف را شنید به دوستانش گفت: «وقت آن است که برکه را ترک کنیم و به دریا برویم.» اما دو ماهی دیگر که خیلی به برکه دلبسته بودند، گفتند: «چرا باید جای به این خوبی را ترک کنیم؟ می‌دانی چقدر راه رسیدن به دریا دور و دشوار است؟» ماهی ماهوش و باتجربه گفت: «سایه‌ی صیاد را روی برکه دیدم.» آن دو ماهی گفتند: «ما که ندیدیم، تو هم خیالاتی شده‌ای!»

ماهی ماهوش و باتجربه که دید دوستانش به حرف او گوش نمی‌دهند از برکه به رودخانه فرار کرد. چند روز بعد ماهیگیر و پسرش با تور به سراغ ماهی‌ها آمدند. ماهی ماهوش و کم‌تجربه هراسان شد و خود را به آب بارکه‌ای رساند و از همان جا به رودخانه فرار کرد. ماهی سوم که خیالش راحت بود گفت: «بابا چرا فرار می‌کنید؟ که در همان لحظه او را گرفتند و کباب کردند و خوردند.»

«کلید و دهنه»

الف: چند ماهی در برکه زندگی می‌کردند؟

۳ تا

ب: چرا ماهی ماهوش و باتجربه به دو ماهی دیگر گفت: «باید به دریا برویم»؟

زیرا او سخن ماهیگیر و پسرش را شنید و سایه‌ی آن‌ها را روی برکه

دید.

پ: چرا ماهی‌ها به حرف ماهی ماهوش و باتجربه گوش ندادند؟

زیرا آن‌ها صیاد نبودند و حاضر نبودند آنجا را ترک کنند.

ت: داستان را به گونه‌ای دیگر به پایان برسان.